

قدیمترین مراکز تمدن ایران

فلات ایران بعلمت تنوع آب و هوای نقاط مختلفش ، و بعلمت حاصلخیز بودن دره‌ها و جلگه‌هاییکه در میان رشته‌های جبالش قرار گرفته ، از ایام بسیار قدیم مورد سکونت انسان واقع شده . در غارهاییکه اخیراً در نزدیک کرمانشاه کشف گردیده آثار انسانهای ۷۰۰۰ سال پیش را بدست آورده‌اند . راجع بساکنان آن ایام بسیار قدیم گذشته از پیدایشهای حوالی کرمانشاه اطلاع دقیقی در دست نیست . در غار (هوتو) درمازندران و در ناحیه تنگه پیدا واقع در کوههای بختیاری درشمال شرق شوشتر نیز آثاری از مردم غارنشین ایران بدست آمده .

در حدود ۷۰۰۰ سال پیش ساکنان فلات تشکیل اجتماعاتی دادند و شهرها ساختند و ابتدای تاریخ زندگی بشر در روی فلات ایران از همان زمان شروع شد . در آن موقع تمدن درخشانی سراسر فلات ایران و جلگه‌های اطراف آنرا که وابسته بفلات بودند فرا گرفته بود و از مطالعه طرز بخت سپردن مردگان و ساختن خانه‌ها و تهیه آلات و ابزار زراعت و زندگی و سبک نقش سفال و غیره چنین برمیآید که مردمیکه در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح سرتاسر فلات را مورد سکونت خود قرار داده بودند همگی عادات و رسوم و تمدن واحدی داشته‌اند و بدون شك همه آنها نیز از یک نژاد بوده‌اند .

قدیمترین آثاریکه در نقاط متعددی از فلات ایران از این مردم پیش از تاریخی بدست آمده ، روی زمین بکر قرار داشته است و آنچه باعث تعجب میگردد این است که این اولین آثار فرآورده مردمی است که بدون شك سابقه تمدن کهنی داشته‌اند بنابراین ، این سؤال پیش میآید که آثار کاملاً اولیه این اقوام را در کجا باید پیدا کرد و جواب این سؤال تاکنون داده نشده زیرا اولاً هنوز در تمام نقاط ایران کاوشهای عملی بعمل نیامده ثانیاً بسیاری از آثار خیلی قدیمی ازین رفته . مثلاً فقط احتمال داده میشود که پیش از اینکه مردم ایران در نقاطی مانند کاشان و ری و دامغان و در بسیاری نقاط دیگر در ناحیه فارس و کرمان و بلوچستان و خوزستان و غیره خانه‌های گلی بسازند در کلبه‌های موقتی در مصب رودخانه‌ها

یا در اطراف دریاچه مرکزی ایران که امروز کویر است زندگی میکرده‌اند و این کلبه‌ها بکلی از بین رفته و فقط آلات و ابزار سنگی مانند پیکانها و سپرگز و غیره که مورد استعمال آنها بوده در محل کلبه‌ها بجای مانده است .

بنابراین فقط از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد ببعده میتوان دقیقاً وضع مردم فلات ایران را مطالعه کرد . در این موقع از شوش و تپه موسس تاری و آتو از قبرها سفالی بدست آمده که روی آن بسبک واحدی موضوعهای مشابهی را نقش کرده‌اند و این آثار در هر نقطه قابل سکونت از فلات و در تمام کناره‌های خلیج فارس از بلوچستان تا خوزستان و در جزایری که در خلیج فارس پراکنده‌اند حتی در روی خاک نمایان است .

بعبارت دیگر نقطه‌ای از فلات ایران و جزایر خلیج فارس نیست که در آن آثار این مردم و خصوصاً سفالهای نقش‌دار آنان وجود نداشته باشد و شاید این کار بسیار مفید باشد که هیئت بتمام این نقاط رفته نمونه‌هایی از سفال موجود در آن نقاط را جمع‌آوری کرده نقشه کاملی ترتیب دهد و این نقشه نشان خواهد داد که جمعیت مسکون روی فلات ایران در آن زمان قابل توجه بوده و تمام خاک ایران و سواحل و جزایر خلیج فارس را اشغال کرده بوده‌است .

قدمت قومی که صاحب این تمدن بوده بحدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد میرسد و نفوذ این تمدن تا نقاط دور دستی مانند حسونه و تل حلف واقع در شمال بین‌النهرین نیز اثر داشته است .

حاصل خیز بودن زمینهای خوزستان و مجاورت آن با رودخانه های پرآب باعث شد که این نواحی در پیشرفت تمدن از نواحی کوهستانی جلو افتاده‌اند .

بزرگترین اختراع بشر یعنی اختراع خط در ناحیه (سومر) انجام گرفت . از ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد روی سفالیکه در تمام فلات ایران و جلگه‌های اطراف آن ساخته میشد نقوشی بصورت طبیعی یا بصورت علامات دیده میشد تمام این نقوش دارای معانی مخصوص بودند که امروز برای ما روشن نیست ولی مردم آنروز باسانی میتوانستند آن معانی را از آن نقوش درک کنند . این سبک منقش کردن سفال درحقیقت مقدمه‌ای برای ایجاد خطوط پیکتوگرافیک بود .

در مصر خط هیروگلیف بطریق دیگری بوجود آمد باین معنی که در آن تحول زیاد رخ نداد و تقریباً در تمام مدتی که خط هیروگلیف بکار برده میشد علامات اطراف آن خط بزرودی از حال پیکتوگرافی خارج شده بصورت میخی درآمد .

تقریباً بحال طبیعی بصورت (سمبل) باقی ماندند ولی در فلات ایران و جلگه‌های عموم دانشمندان عقیده دارند که سومریها در اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد از نواحی کوهستانی غربی یعنی از کوههای زاگرس به جلگه‌های واقع در کنار خلیج فارس وارد شدند و ورود آنها باعث تحول فوق‌العاده در زندگی مردم بین‌النهرین گردید و نور تمدنشان عموم مردمی را که در ناحیه بین‌النهرین و شبه‌جزیره آناتولی ساکن بودند تحت اشعه خود قرارداد .

دانشمندان معتقدند که قسمت‌های شمالی دجله و فرات در آن زمان مورد سکونت سامیها بود و سومریها از حیث نژاد و زبان و خصوصیات تمدنشان با آنها اختلاف زیاد داشتند .

تحدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد قدرت سومریها باعلا درجه رسیده بود و تمام نواحی واقع بین دو نهر را در تسلط خود داشتند . در این موقع (لوگالزاکیزی) پادشاه سومریها فشار خود را بر سامیها که در قسمت وسطای میان دو نهر بودند زیاد کرد و در نتیجه سربازی از شهر (آگده) به نام سارگن بر او شورید و موفق شد بر (چهار اقلیم) یعنی ناحیه (آمارد) در مغرب و (سوبارتو) در شمال و (سومر) و (اکد) در جنوب و (ایلام) در مشرق حکومت کند و این مطالب از نوشته‌های زمان سارگن نقل شده است .

سارگن و دودمان وی مدت دو قرن بر سومریها حکومت کردند . در این موقع مردم کوهستان واقع در مغرب فلات یعنی (گویتها) بطرف جلگه سرازیر شده حکومت سامیها را برانداختند و مدت یک قرن بر قسمت مهمی از بین‌النهرین حکومت کردند و شهرهای سومر مجدداً آزادی یافتند . بنابراین تاریخ هزاره سوم پیش از میلاد ناحیه مغرب ایران را میتوان به چهار دوره تقسیم کرد :

دوران حکومت سومریها از حدود ۳۰۰۰ تا ۲۴۷۰ پیش از میلاد .

دوران حکومت (آگده) از ۲۴۷۰ تا ۲۲۸۵ .

دوران حکومت گویتها از ۲۲۸۵ تا ۲۱۳۲

دوران برگشت حکومت سومریها از ۲۱۳۲ تا ۲۰۱۶

دوران اخیر را دوران جدید حکومت سومریها نامیده‌اند . در این دوره سومریها موفق به پیشرفت فوق‌العاده گردیده‌اند ولی از تاریخ ۲۰۱۶ تا ۱۷۰۰ بابلیها بر تمام نواحی آباد در جلگه مستولی گردیدند .

در حدود ۱۷۰۰ پیش از میلاد (کاسیها) که بدون شک از اقوام آریائی بودند و از راه قفقاز وارد کوههای غربی فلات ایران شده بودند بسوی جلگه بین‌النهرین سرازیر شده حکومت بابلیها را برانداختند . در تمام این مدت ناحیه ایلام با مراکز معتبری مانند شوش و موسیان شخصیت خود را محفوظ داشته بود و برای غریبها نخستین منزل برای حمله به فلات و برای فلاتیها اولین منزل برای حمله به جلگه بود . در این مدت در فلات ایران تمدنی که در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد وجود آمده بود و حدود نفوذ آن از طرف مغرب سومر و از طرف مشرق به (موهنجودارو) و (اروپا) در ناحیه پنجاب منتهی میگردد به پیشرفت خود ادامه میداد و در عین حال جریانهای جدیدی از طرف شمال و شمال شرق فلات ایران را تحت تاثیر قرار داده بود .

از دو راه عمده‌ایکه بمنزله دو دروازه این سرزمین محسوب میشد یعنی از راه قفقاز و از راه ماوراءالنهر دائماً موجهای جدیدی از قبایل آریائی وارد فلات ایران میگرددند . یکی از این موجها در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد صورت گرفت

و در ضمن آن اقوامی از طرف مشرق دریای خزر تا حدود دامغان پیش آمدند و با احتمال قوی هجوم این موج بصورت جنگ انجام نگرفت بلکه دسته‌های صحراگردی بصورت مهاجر از جلگه‌های واقع در مشرق دریای خزر بطرف شمال شرق ایران روی آوردند و تدریجاً زمینهای را که اشغال نشده بود در اختیار گرفتند و وقتی قدرت و جمعیتشان زیاد شد بر مردم بومی آن نواحی مسلط شدند این دسته‌های مهاجر عادات و رسوم جز عادات و رسوم مردم بومی داشتند و از آن نواحی مستقر شدند بکار بردن ظروف نقش‌دار منسوخ شد.

در واقع نقوش این ظروف گلی معانی بخصوص داشت و نشانی از مفاهیم مذهبی یا ملی بود که با سیاست مردم تازه وارد مغایرت داشت و وقتی این مردم تازه وارد براهالی بومی فایق شدند از ایجاد این نقوش ممانعت کردند و از آن تاریخ سفال‌های خاکستری بدون نقش جای سفال نخودی رنگ نقش‌دار را گرفت.

در همین زمان بود که شبه جزیره آناتولی نیز مورد هجوم قبایل آریائی قرار گرفت (هیستی‌ها) از راه (بورسفور) وارد آسیای صغیر شدند و پیش از آنها (میتانها) از راه قفقاز قسمت علیای رودهای دجله و فرات را تحت تسلط خود در آورده بودند بعضی از دانشمندان و همکاران ما عقیده دارند که سومریها نیز آریائی بوده‌اند. با اینکه هنوز تمام دلایل لازم و کافی برای اثبات این مطلب بدست نیامده ولی شکی نیست که مردم سومر از کوههای مغرب فلات ایران بطرف جلگه سرازیر شده و آن ناحیه را مورد سکونت خود قرار داده‌اند و در تمام مدت وجود خود قاسامیها که در قسمت وسطای بین‌النهرین ساکن بوده‌اند در گیرودار بودند و هربار که از عهده آنها برنیامدند و مغلوب آنها شدند باز قبایل آریائی دیگری از سوی همان کوهستان‌ها به نجات آنها برخاستند. راجع بزبان و نژاد (لولویها) و گویتها اطلاع زیادی در دست نیست ولی (کاسی‌ها) که در حدود ۷۱۰۰ پیش از میلاد بابلیها را مغلوب خود کردند آریائی بودند و مقدار مختصری که اسامی خاص امرا و پادشاهان آنها که به ما رسیده حکایت از آریائی بودن زبان آنها مینماید.

در حدود ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد موج دیگری از اقوام آریائی وارد نواحی مجاور دریای خزر شد و چون کناره‌های دریا و جنگل قابل سکونت نبود قسمت‌های مرتفع آن نواحی یعنی دامنه‌های شمالی البرز را برای سکونت خود انتخاب کردند. قسمت مهمی از این دسته‌های جدید از طرف مغرب دریای خزر وارد طالش و گیلان امروزی شدند ولی احتمال دارد که دسته‌های دیگری از جانب مشرق دریای خزر یعنی از طرف گرگان و مازندران وارد فلات ایران شده باشند.

آثار این اقوام در تمام نقاط ساحلی مانند نواحی مختلف طالش شوروی و طالش ایران و سپس در نواحی گیلان مانند رودبار و عمارلو و دیلمان و امام و سماج و تماجان دیده میشود ولی دنباله این آثار تا تخت سلیمان و (دوهزار) و (سه‌هزار) و کلاردشت نیز مشهود است.

آثار مکشوف در مارلیک فقط گوشه‌ای از زندگی و تمدن این مردم را

نشان میدهد. اشیاء مکشوفه در مارلیک متعلق به قومی بوده است که در حدود ۱۱۰۰ پیش از میلاد در این ناحیه مسکن داشته‌اند مردم مارلیک قدرت نظامی زیاد داشته‌اند و این مطلب از تعداد زیاد سلاح‌های جنگی مانند خنجرها و سرنیزه‌ها و پیگان‌هایشان فهمیده میشود. تمدن آنها در درجه بلندی قرار داشته مثلا بکاربردن طلا برایشان بقدری عادی بوده که حتی در قبرهایشان و در کنار مردگانشان نیز آنرا قرار میداده‌اند. جام‌ها بانهایت ظرافت و سلیقه‌کنده‌کاری شده بود بطوری که حتی امروز پس از حدود سه هزار سال مورد توجه و شگفتی بینندگان قرار میگیرد. نقوش روی این جامها شباهت فوق العاده به نقوش معمول در سومر داشته ولی اصلیت آن از چند جهت آشکار میگردد. اولاً حیواناتیکه پیکر آنها با گل و باکمال زیبایی ساخته شده مخصوص به همین ناحیه است و از نظر هنری بقدری زیبا است که با بهترین نمونه‌های پیکر سازی جدید قابل مقایسه است. ثانياً بسیاری از موضوع‌هایی که در روی اشیاء بدست آمده از مارلیک دیده میشود در ناحیه (اورارتو) و قفقاز نیز موجود است بطوریکه رابطه هنری میان مارلیک و نواحی شمالی قطعی است و همین نقوش تا حدود دیلمان و عمارلو و کلاردشت نیز کشیده میشود از سوی دیگر شباهت این نقوش با نقوشی که در زمان مادها و پارس‌ها در ایران معمول گشت و خصوصاً با نقوش تخت جمشید کاملاً آشکار است بنابراین شکی نیست که سازندگان کاخ‌های تخت جمشید از ناحیه اورارتو و قفقاز عبور کرده‌اند مقصود این است که تمدنی که به هنر تخت جمشید منتهی گردید از راه اورارتو و قفقاز به آن سرزمین آمد نه از راه بابل و آشور. اگر چه در حال حاضر اظهار این عقیده تا اندازه‌ای مشکل بنظر میرسد ولی روزی خواهد رسید که مراکز تمدن قدیم را در همین سرزمین‌ها جستجو خواهند کرد.

درواقع تا امروز بیشتر کاوش‌ها در جلگه بین النهرین انجام گرفته و چون خبری از جاهای دیگر نرسیده بعضی از فرضیات بصورت قطعی درآمده در حالی که کشور ما هنوز بسیاری از نکات تاریک تاریخ را در بر دارد.



هتل رودکنار - خرمشهر

مجهز با همه گونه وسایل آسایش در تمام فصلهای سال است

هوای دل انگیز و زیبایی طبیعت و مناظر دلکش، اهل ذوق را به هتل رودکنار خرمشهر دعوت میکند.